

نوروز سنتی ایرانی و اسلامی

دکتر فضل‌الله رضایی

به نام خدای بهارآفرین

ز کوی یار می آید نسیم باد نوروزی
از این باد ارمدد خواهی چراغ دل برافروزی
چو گل گر خرده ای داری خدا را صرف عشرت کن
که قارون را غلطها داد سودای زراندوزی
ز جام گل دگر بلبل چنان مست می لعل است
که زد بر چرخ فیروزه صفیر بخت فیروزی
به صحرا رو که از دامن غبار غم بیفشانی
به گلزار آی کز بلبل غزل گفتن بیاموزی
چو امکان خلودای دل در این فیروزه ایوان نیست
مجال عیش فرصت دان به فیروزی و بهروزی
طریق کام بخشی چیست ترک کام خود کردن
کلاه سروری آن است که از این ترک بردوزی
سخن در پرده می گویم چو گل از غنچه بیرون آی
که بیش از پنج روزی نیست حکم میر نوروزی
ندانم نوحه ی قمری به طرف جویباران چیست
مگر او نیز همچون من غمی دارد شبانروزی
می دارم چو جان صافی و صوفی می کند عیش
خدایا هیچ عاقل را مبادا بخت بد روزی
جدا شد یار شیرینت کنون تنها نشین ای شمع
که حکم آسمان این است اگر سازی و گر سوزی
حافظ

● ایرانیان قدیم جشن‌های زیادی داشتند. هر وقت نام ماه و روز برابر می شد جشن می گرفتند نوروز چون بر خلاف جشن‌های ایران باستان روزی بوده که ماه و روز برابری نمی کرده لذا به سایر جشن‌ها برتری داشته است.

● در مورد پیدایش این جشن افسانه های زیادی مطرح است اما آنچه به آن جنبه اسرار آمیز می بخشد آیین های بسیاری است که روزهای قبل و بعد از آن انجام می گیرد.

● ایرانیان باستان اعتقاد داشتند که ناآرامی ریشه آرامش است و گاهی پریشانی و ناراحتی اساس راحتی و آسایش است و چه بسا که در پاره ای از مراسم نوروزی عمداً پریشانی بوجود می آوردند.

- مثلاً معتقد بودند که از ۲۶ اسفند تا ۵ فروردین ارواح مردگان (فروهرها) باز می گردند به خانه ها لذا افرادی با صورتک سیاه برای تمثيل در کوچه و بازار رفت و آمد می کردند و بدین شیوه فاصله مرگ و زندگی را به هم می ریختند و قانون و نظم یکساله را محو می کردند. (باقیمانده آن حاجی فیروزه یا آتش افروز بود)

- رسم میر نوروزی هم جا به جا شدن جای ارباب و بنده بود. به قصد تفریح یک نفر را از طبقات پایین برای چند روز یا چند ساعت سلطان می کردند و او اگر قواعدی بیجا و دستور بی جا صادر می کرد از مقام امیری بر کنار می شد. حافظ در این باره گفته است:

"سخن در پرده می گویم، چو گل از غنچه بیرون آی،

که بیش از چند روزی نیست، حکم میر نوروزی"

- خانه تکانی هم به این نکته اشاره دارد: اول در هم ریختگی است بعد نظم و نظافت. تمام خانه برای نظافت زیر و رو می شد. حتی خانه ها را رنگ آمیزی می کردند. اثاثیه کهنه را دور می ریختند و نو می خریدند. شکستن کوزه را به عنوان اینکه جایگاه آلودگی ها و اندوه های یکساله بود واجب می دانستند. ظرفهای مسی را به رویگران می دادند. نقره ها را جلا می دادند. گوشه و کنار خانه ها را از غبار پاک می کردند. فرش و گلیم را می شستند.

- نظافت و تمیزی بر اینکه ارواح مردگان در این روزها به خانه و کاشانه خود باز می گردند اگر خانه را تمیز بود بستگان را شاد بینند خوشحال می شوند و دعا می فرستند و اگر نه غمگین و افسرده باز می گردند به همین دلیل چند روز به نوروز مانده در خانه مشک و عنبر می سوزاندند و شمع و چراغ روشن می کردند. از ۲۰ روز به عید مانده سبزه می کاشتند. (۱۲ دانه: گندم- جو- برنج- عدس-

ارزن- نخود- کنجد- باقلا- کاجيله- ذرت- ماش) و بالیدن هر یک را به فال نیک می‌گرفتند و می‌گفتند دانه در سال نو موجب برکت و باروری خواهد شد.

● گندم و جو و ارزن را به نماد (پندار نیک)- (گفتار نیک) و (کردار نیک) سبز می‌کردند.

- اصیل ترین پیک نوروزی سفره‌ی هفت سین بوده است که به تعداد هفت تا فرشته یا به قول زردشتی‌ها "امشاسپند" مایه می‌گرفته است:

۱- آب و سبزه ← نماد روشنایی و افزونی

۲- آتشدان (شمع و چراغ) ← نماد پایداری نور و گرما

۳- شیر ← نماد نوزایی و رستاخیز و تولد دوباره

۴- تخم مرغ ← نماد نژاد و نطفه

۵- آیینه ← نماد شفافیت و صفا و یکرنگی

۶- سنجید ← نماد دلدادگی و زایش و باروری

۷- سیب ← نماد عشق و محبت

۸- انار ← نماد تقدس

۹- سکه های تازه ضرب شده ← برکت و دارندگی

۱۰- ماهی ← نماد برج سپری شده اسفند ماه

۱۱- نارنج ← نماد گوی زمین

۱۲- گل بیدمشک ← نماد گل ویژه اسفند ماه

۱۳- کتاب مقدس

نوروز از جشن‌های ملی ایرانیان به شمار می‌رود و از روزگار باستان در میان ملت ایران وجود داشته است با ورود دین اسلام به این سرزمین، این جشن رنگ و بوی مذهبی به خود گرفت و از آن پس سفره های هفت سین ایرانیان مزین به کتاب آسمانی مسلمانان (قرآن) شد و لحظه تحویل سال با دعای سال (یا مقلب القلوب و الابصار) حالتی معنوی به خود گرفت.

روایات زیادی درباره مبارکی این جشن فرخنده از پیامبر اسلام و ائمه معصومین نقل شده که چند نمونه را اشاره می‌کنیم:

عبدالصمد بن علی روایتی را از جدش نقل می‌کند که نوروز جامی نقره ای پر از حلوا برای پیامبر هدیه آوردند آن حضرت پرسید که این چیست؟ گفتند عید بزرگ ایرانیان است. فرمود: آری. در این

روز بود که خداوند عسکره را زنده کرد. از پیامبر پرسیدند عسکره چیست؟ فرمودند (هزاران مردمی بودند که از ترس مرگ ترک دیار کردند و سر به بیابان نهادند و خداوند به آنها گفت: بمیرید و مردند. سپس آنها را زنده کرد و ابرها را فرمود که بر آنها بار) به همین دلیل آب پاشیدن در این روز رسم شده است.

پیامبر پس از آن حلوا تناول فرمودند و آن را میان اصحاب قسمت کردند و گفتند کاش هر روز برای ما نوروز بود. (آثار الباقیه ص ۳۲۵)

معلی بن خنیس می‌گوید روز نوروز بر حضرت امام صادق وارد شدم، ایشان فرمودند این روز را می‌شناسی گفتم (فدایت شوم این روزی است که ایرانیان آن را بزرگ می‌دارند به یکدیگر هدیه و ارمغان می‌دهند) سپس امام صادق فرمودند (سوگند به خداوند که این بزرگداشت نوروز به علت امری کهن است که برای بازگو می‌کنم تا آن را دریابی) سپس گفتند (ای معلی روز نوروز روزی است که خداوند از بندگان خود پیمان گرفت که او را بپرستند و برای او شریک بگیرند و به پیامبران و رهروان او بگروند و به پیشوایان دین ایمان بیاورند).

همان روزی است که آفتاب در آن طلوع کرد/ بادهای وزیدن گرفت/ و زمین در آن شکوفا و درخشان شد/ همان روزی است که کشتی نوح در کوه آرام گرفت/ پیامبر خدا امیرالمؤمنین را بر دوش گرفت و بت‌های قریش را از کعبه به زیر افکند و بتان را خرد کرد چنانکه ابراهیم اینکار را کرد/ همان روزی است که پیامبر به یاران خود در غدیر خم گفت با علی(ع) و همان روزی است که حضرت قائم(عج) بر دجال پیروز شود و او را در کنار کوفه بر دار می‌کشد و هیچ روز نوروزی نیست که ما در آن متوقع گشایش و فرج ایشان نباشیم زیرا نوروز از روزهای ما شیعیان است (بحار الانوار جلد ۱۴ صحت نوره)

بزرگداشت این روز در نزد ما شیعیان تا امروز ادامه دارد و هیچ گاه سفره هفت سین ما بدون قرآن و بدون دعای یا محول الحول و الاحوال برگزار نشده است.